

مروری بر عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌ها در جامعه دینی

حفیظ‌الله فولادی *

چکیده

امتیاز جامعه انسانی بر سایر جانداران دارای زیست جمعی، در فرهنگی بودن آن است. هنجارهای فرهنگی به مثابه قواعد رفتار و با ابتنا بر ارزش‌های اجتماعی و دینی، سامان‌بخش رفتارهای جمعی‌اند که نتیجه تبعیت از آنها در جامعه، هم‌نوایی اجتماعی است. پذیرش تغییرات در بخش فرهنگ مادی و ارزش‌های برخاسته از آن، غالباً با موافقت سریع عمومی همراه است؛ ولی پذیرش تغییرات در بخش فرهنگ معنوی با کندی و عدم همراهی عمومی مواجه می‌شود. دگرگونی در ارزش‌ها، موجب بروز تغییرات در رفتار افراد جامعه می‌شود. هدف در این مقاله، بررسی این مسأله است که برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌ها در جامعه دینی شناسایی شوند. روش پژوهش با استناد به منابع دینی و علمی، با رویکردی نظری تحلیلی دنبال شده است. مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز تغییر در ارزش‌ها، رویکرد افراد جامعه را در پابندی به ارزش‌های اجتماعی و دینی تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: بازیچه‌شدن دین، برخورد گزینشی با ارزش‌ها و عناصر دینی، ناسازگاری میان عمل و ادعای مدعیان دینداری، عدم رعایت اصول رفتاری در دعوت به دین، ناتوانی در تأمین نیازمندی‌های ضروری عمومی در جامعه دینی و ...

واژگان کلیدی: فرهنگ، تغییر ارزش‌ها، هنجار، دین، جامعه دینی.

مقدمه

جامعه‌شناسان جایگاه فرهنگ را در جامعه انسانی به حدی ممتاز به حساب می‌آورند که به طور اساسی امتیاز انسان را نسبت به دیگر موجودات اجتماعی، در فرهنگی بودن او می‌دانند و رابطه هر فرهنگ را با جامعه خاص خود، رابطه‌ای دوسویه قلمداد می‌کنند؛ به گونه‌ای که جامعه‌ای فاقد فرهنگ و یا وجود فرهنگی بدون در نظر گرفتن جامعه، قابلیت تحقق ندارد. هنجارهای فرهنگی به مثابه قواعد و الگوهای رفتاری معینی بر پایه ارزش‌های آن جامعه، سامان‌بخش رفتارهای اعضای جامعه‌اند که نتیجه آن هم‌نواپی اجتماعی در تعامل‌های اجتماعی و نیز برآورده شدن انتظارات از همدیگر است؛ در این صورت، ناقص هنجارها در جامعه به عنوان منحرف و کجرو شناخته می‌شود. اهمیت این هنجارها آن‌چنان است که عوامل مختلفی همچون خانواده، مراکز آموزشی و تربیتی، رسانه‌های جمعی و... برای فراگیری افراد جامعه جهت تبعیت از آن الگوها و معیارهای رفتار دست اندرکارند؛ گو اینکه همین عوامل، خود نیز در چارچوب همان هنجارها فعالند.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ، اعم از فرهنگ مادی و معنوی، تغییرپذیری است. این تغییرات در بخش فرهنگ مادی یا به تعبیر دیگر تمدن که شامل جنبه‌های محسوس و ملموس فرهنگ همانند ابزار و فنون و اختراعات و... می‌شود، سریع‌تر به وقوع پیوسته و با همراهی و موافقت عمومی مواجه می‌شود؛ هر چند وضعیت جدید، به مرور تغییرات رفتاری متناسب با خود را به دنبال خواهد آورد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۲۷) اما تغییرات در بخش فرهنگ معنوی که شامل اعتقادات و باورها و ارزش‌های حاکم است، به جهت کندی قبول تغییرات در این بخش، تلقی به ثبات آنها می‌شود. ویژگی مزبور اشعار به این نکته دارد که رخداد تغییر در الگوهای رفتاری و فرامادی یک فرهنگ، به اندازه‌ای ملایم و کند است که گویا اساساً تغییری رخ نمی‌دهد؛ چنانچه بخواهد تغییرات سریعی در الگوهای هنجارین یک فرهنگ رخ دهد، اول آنکه به جهت نهادینه و نیز مأنوس بودن این هنجارها در رفتارهای مردم، پذیرش تغییرات در آنها توسط اکثریت اعضای جامعه به راحتی میسر نخواهد بود و بلکه با مقاومت‌هایی مواجه خواهد شد و دیگر اینکه بیشتر جامعه، کسانی را که به شیوه‌های رفتاری جدید رو آورده‌اند، به عنوان افراد منحرف و نقض‌کنندگان هنجارها نگاه می‌کنند و به مقابله و ستیز با آنان می‌پردازند. به هر حال خاستگاه تغییرات رفتاری در مردم، تغییر در عناصر فرهنگ بخصوص در ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است که بروز و ظهور این تغییرات در اندیشه و عمل و رفتار افراد جامعه نمایان می‌شود.

ارزش‌های موجود در یک فرهنگ را با توجه به شرایط جامعه می‌توان به دو بخش ارزش‌های مادی و فرامادی (دینی) تقسیم کرد که بر حسب میزان اهمیت و جایگاه دین در آن جامعه، ارزش‌ها و باورهای دینی آن نیز دارای درجه اهمیت متفاوتی می‌شوند. این ارزش‌ها در عین اینکه به عنوان شالوده‌ای برای دیگر هنجارها است و شکل‌گیری دیگر هنجارها نیز با محوریت همین ارزش‌هاست، خود همین ارزش‌ها،

هنجارهای بسیار مهمی به شمار می‌آیند؛ به طوری که مثلاً نقض آداب و رسوم اجتماعی به عنوان سطحی از هنجارها، نسبت به نقض ارزش‌های دینی، واکنش‌های متفاوتی را به دنبال می‌آورد؛ اگرچه خود ارزش‌ها از طریق پایبندی افراد جامعه به هنجارها صورت تحقق می‌پذیرند، ولی نقض هنجارهایی که به تحقق ارزش‌ها ارتباط می‌یابند، در مقایسه با سایر هنجارها با مخالفت غیر قابل اغماض اجتماعی مواجه می‌شوند.

طرح مسئله

چنانچه مطرح شد از ویژگی‌های هر فرهنگ تغییر در عناصر و قواعد آن است که امری قطعی و گریزناپذیر می‌باشد و به صورت آرام و در گذر زمان رخ می‌دهد. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، بررسی میزان و مسیر این تغییر از یک زمان به زمان دیگر است. در این گذر زمان و انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر، دگرگونی‌هایی در ارزش‌ها رخ می‌دهد که در الگوهای تفاوت‌یافته هنجاری نمایان می‌شود. مسئله این است که در مرحله اول چه عامل و یا عواملی موجب تغییر در ارزش‌ها می‌شود و دیگر آنکه اگر ارزش‌ها بخصوص ارزش‌های دینی، در جامعه دستخوش تغییرات گردید، چه تأثیر و یا تأثیراتی را در سطوح مختلف رفتار فردی و اجتماعی موجب می‌شود؟

به همین جهت شناخت مجموعه عواملی که تقویت و یا تضعیف باورها و اعمال دینی مردم را موجب می‌شود، می‌تواند از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های اساسی دست‌اندرکاران جامعه دینی و بلکه تمام اندیشمندان جامعه باشد.

هدف ما در اینجا، بررسی آسیب‌شناسانه مجموعه عواملی است که با تغییر ارزش‌های اجتماعی و یا دینی، در جامعه می‌تواند دست‌کم منجر به فروکاستن از باورداشت عملی افراد به ارزش‌های اجتماعی و دینی در شیوه‌های رفتاری آنان منجر شود؛ از آن جا که در این مختصر در صدد نگاهی آسیب‌شناسانه به این عوامل هستیم، از ورود به بحث از عوامل تقویت‌کننده این جایگاه صرف نظر می‌کنیم.

تعریف مفاهیم

پیش از ورود به بحث، تعریفی از ارزش، هنجار و رابطه میان آن دو و نیز انواع ارزش و هنجار ارائه می‌شود.

ارزش‌ها^۱ را در جامعه‌شناسی به باورداشت‌های ریشه‌داری اطلاق می‌کنند که اعضای یک جامعه در آنها سهیم هستند؛ (کوئن، ۱۳۸۲، ص ۳۹) به این ترتیب، ارزش‌ها به عنوان یکی از بنیادی‌ترین عوامل در نحوه شکل‌گیری خرده نظام‌های اجتماعی در بخش‌های مختلف آن همانند خرده نظام‌های خانوادگی، تربیتی،

1. Values

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و... تأثیرگذارند؛ زیرا این ارزش‌ها هستند که برای مردم یک جامعه در بخش‌های مختلف مشخص می‌کنند که چه رفتاری صحیح و چه چیز نادرست و غیر قابل پذیرش است. آنچه در اینجا از واژه «ارزش» مد نظر است از معنای جامعه‌شناختی آن فراتر بوده و افزون بر مجموعه باورداشت‌هایی که خاستگاه اجتماعی دارند، مجموعه اعتقادات و باورهایی را که برخاسته از گزاره‌های دینی بوده و منطبق بر پاسخگویی به نیازهای فطری انسان است، نیز در بر می‌گیرد.

با توجه به اینکه معیار مورد «ارزش اجتماعی» قرار گرفتن هر چیزی، «در میزان توانایی آن در ارضای یک میل یا نیاز انسان است» در اثر تغییر شرایط و با گذر زمان ارزش‌های اجتماعی به جهت فاقد توانایی و اثربخشی مورد نظر می‌شوند، دستخوش تغییر و تبدل می‌شوند؛ ولی ارزش‌های الهی و دینی به جهت این که بر وحی مبتنی بوده و دارای زمینه‌های فطری است که نیازهای بنیادین و همیشگی انسان را پوشش می‌دهند، تغییرناپذیرند. آنچه بحث از تغییر را در ارزش‌های دینی پیش می‌آورد، در واقع دخالت عواملی است که انسان را از نیازهای فطری و اساسی خود دور می‌سازد. برای روشن شدن مطلب مثالی را در اینجا ذکر می‌کنیم: «حجاب» و پوشش برای بانوان در فرهنگ اسلامی هنجاری است که دارای ارزش دینی مسلم و قطعی است و افراد معتقد به دین اسلام در طول تاریخ آن را ضرورتی غیر قابل تغییر دانسته‌اند که در واقع برای صیانت از انسان و موجب سلامت رفتاری در ارتباطات اجتماعی است. این گونه نیست که این الگوی ارزشی با تغییر شرایط دارای ساختار و قالبی متفاوت شود؛ بلکه با در نظر گرفتن معیار صیانت و عفاف برای بانوان همواره رعایت این هنجار حفظ شده است؛ در حالی که در دیگر فرهنگ‌ها این مهم از منظری به طور کامل متفاوت با نگاه اسلامی ارزش‌گذاری شده و با ابتدائی بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی با آنچه در سالیان نه چندان دور خود آنان داشته‌اند، قالب‌هایی متفاوت و حتی متعارض به خود گرفته است. **هنجار**^۱ یک قاعده و استاندارد برای رفتار است که تعیین می‌کند مردم باید در شرایط معین چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده مترتب بر این قاعده رفتاری، بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و به تعبیر پارسونز «حفظ الگوهای فرهنگی» است. با توجه به توسعه‌ای که در معنای ارزش قائل شدیم، هنجار نیز در این مقاله، افزون بر قواعد رفتاری مبتنی بر چارچوب‌های اجتماعی فرهنگ جامعه، در برگیرنده قاعده‌های رفتاری متأثر از باورداشت‌های برگرفته از گزاره‌های مکتبی و دستورات دینی‌ای که در قالب شعائر دینی در رفتار افراد جامعه نمود عینی می‌یابد، نیز می‌شود.

انواع ارزش‌ها

برای ارزش‌ها با توجه به ابعاد کیفی و پیچیده آن انواع مختلفی از قبیل ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، دینی، اجتماعی، ذهنی و رسمی بیان شده است؛ اگر چنانچه در هر یک از این انواع

1. Norm

ارزش‌ها، تغییر و دگرگونی رخ دهد، متناسب با آن، رفتار آحاد جامعه نیز تغییر می‌کند. البته پدیداری این تغییر رفتار در برخی از موارد سریع‌تر و آشکارتر از موارد دیگر است. این ارزش‌ها هستند که رفتار افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و به عنوان ضابطه‌ای برای ارزیابی اعمال دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً میان ارزش‌ها و هنجارها و نحوه عکس‌العمل جامعه در قبال تغییرات رخ داده در آنها رابطه مستقیمی وجود دارد. (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲ با دخل و تصرف) به تعبیر پارسونز اگر در شبکه تعامل‌های اجتماعی و در میان نهادهای جامعه‌پذیرکننده اجتماعی به عنوان وسایل مبادله، «پابندی به ارزش‌ها و هنجارها» وجود نداشته باشد، در این صورت چالش ایجاد شده، موجب تغییر رفتار از حیث ارزشی در عرصه روابط اجتماعی خواهد شد.

عوامل تأثیرگذار در تغییر ارزش‌ها

رخداد تغییرات اجتماعی سریع در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی از ویژگی‌های بارز جوامع معاصر است. با گذشت زمان سرعت این تغییرات بیشتر شده است و اکنون در مرحله‌ای از زندگی بشر هستیم که یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی رخ داده بلکه تغییرات گسترده‌ای در عرصه زندگی غیر مادی انسان‌ها، یعنی باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و... نیز به وقوع پیوسته است. یکی از این تغییرات اساسی، تغییر در ارزش‌ها است. ارزش‌ها به عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ بر الگوهای رفتاری و تفکری، رفتارها و ترجیحات اجتماعی و سیاسی و... تأثیر مستقیمی دارند و می‌تواند باعث تغییر الگوهای رفتاری و فکری شود. در این مقاله به اختصار مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در تغییر ارزش‌ها بیان می‌شود که به طور عمده به حوزه عمل و اجرای دستورات دینی در جامعه مربوط بوده که نتیجه مترتب بر هر یک از آنها، احیاناً تغییر رفتار فردی و اجتماعی در جهت اضمحلال و یا سستی پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای برآمده از آنها خواهد بود.

۱. بازیچه شدن دین (استفاده ابزاری از دین)

در قرآن کریم آمده است: «همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد، پس همان‌گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند، و آیات ما را انکار کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می‌بریم». (اعراف، ۵۱) در ذیل این آیه شریفه علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: آیه دلالت بر این دارد که انسان در هیچ حالی از احوال بی‌نیاز از دین نیست و حتی آن کسی هم که سرگرم لهو و لعب است و زندگی خود را صرف این کار کرده به دین محتاج است؛ (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۶۶) به بیان دیگر چنین افرادی اعتقادی به دین و آموزه‌های آن ندارند، ولی چون بستر اجتماعی دین‌دار است، اینان برای پیشبرد اهداف خویش با استفاده ابزاری از دین در صدد تحقق برنامه‌های خود هستند. همچنین در

ذیل آیه ۷۰ از سوره شریفه انعام می‌فرماید: چون بین فریب خوردن از دنیا و بازیچه گرفتن دین خدا ملازمه است، وقتی انسان نسبت به کام گرفتن از لذت‌های مادی، افسار گسیخته شد و همه کوشش خود را، صرف آن نمود، قهراً از کوشش در دین حق، اعراض نموده و آن را شوخی و بازیچه می‌پندارد. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۰۴-۲۰۳) دلالت مفهومی این معانی خروج دین از جایگاه تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی خود، دست‌کم در نزد پیروان آن بوده است و فقدان کارکردهای مورد انتظار از آن نتیجه طبیعی چنین وضعیتی خواهد بود. برای خارج ساختن دین و آموزه‌های آن از مدار تعمیق ارزش‌ها و پای‌بندی افراد به احکام دین و تغییر ارزش‌های دینی، چه اهرمی مؤثرتر از استفاده ابزاری از آن؟

۲) رشد اقتصادی و تکنولوژیکی ناسازگار با فرهنگ دینی

می‌توان این سخن را دقیق دانست که می‌گوید: «رشد بسیار سریع همراه با توزیع ناعادلانه روزافزون، ترکیبی است که به احتمال زیاد ارزش‌های سنتی را زیر پا می‌گذارد». (سوجاتوموکو، ۱۳۶۶، ص ۲۰) آنچه در اینجا شایان توجه است نقش رشد سریع و ناموزون اقتصادی در دور کردن مردم از باورها و ارزش‌های فرهنگی سنتی و بالطبع ارزش‌های دینی است. در همین راستا می‌توان اذعان داشت که دگرگونی سخت‌افزاری و تکنولوژیکی، در نظام ارزشی تغییراتی را ایجاد خواهد کرد و رشد و توسعه ناموزون و افسار گسیخته ابزار تکنولوژیک و عدم توجه به ارزش‌های بنیادی و دینی حاکم بر رفتارهای انسانی، موجب تغییرات وسیعی در بنیان‌های روابط اجتماعی می‌شود. این وضعیت به مرور هنجارهای ارزشی فرهنگ دینی جامعه را دستخوش تغییر نموده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه به عنوان اقتضات شرایط جدید به وجود خواهد آورد. (حاجیلری، ۱۳۸۰، ص ۵۱ با اندکی تصرف) همچنین می‌توان مدعی شد که با وقوع توسعه ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه نیز دستخوش تغییر می‌شود؛ زیرا در روند توسعه، ارزش‌های حاکم بر خانواده، محیط اجتماعی و فرهنگ جامعه رو به سوی تحول می‌گذارند و به همین دلایل زندگی اجتماعی از تحرک و پویایی مضاعفی در تمامی عرصه‌ها برخوردار می‌شود. از پیامدهای توسعه پیچیده شدن کارها و تعدد تخصص‌ها بوده است که نتیجه طبیعی چنین شرایطی رواج رفتارها و نگرش‌هایی متفاوت از روند سابق خواهد بود. رفتارهایی همانند کاهش ارتباط با دیگران، دگرگونی نگاه به مسایل، گسترش اطلاعات با افزایش سطح آگاهی عمومی و ورود آن به حوزه‌های مختلف زندگی و... از داده‌های این امر به حساب می‌آیند. امروزه دانش و فن‌آوری‌های جدید با تغییرات سریعی که در نگرش‌های اخلاقی و حتی باورداشت‌های عمومی کاربران آنها ایجاد کرده است، قابل انکار نیست. تکنولوژی‌هایی همانند اینترنت و سایر رسانه‌های جمعی اگر از نظر محتوا منطبق با مقوله‌های ارزشی فرهنگ حاکم بر جوامع دینی نباشند، تغییر در باورداشت‌ها و ارزش‌ها و نیز شکل‌دهی گونه‌های شخصیتی متفاوت از فرهنگ دینی جامعه را به دنبال خواهند داشت.

مدرنیزه شدن ابزار و وسایل کار نیز به عنوان عاملی اساسی در تغییر ارزش‌ها می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. زیرا با ایجاد تغییراتی در شرایط ساختاری و تمدنی جامعه، اعضای آن را مستعد ایجاد تغییرات در روش‌های اندیشه و رفتار می‌کند. اینگلهارت از اندیشمندانی است که نقش مدرنیزاسیون را در ایجاد تغییرات ارزشی مورد توجه قرار داده است. نکته اساسی این است که هر آن چیزی که موجب تغییرات سریع اجتماعی شود، تغییراتی را در حوزه اندیشه و رفتار گروه‌های اجتماعی به خصوص نوجوانان و جوانان موجب می‌شود و مدرنیزاسیون نیز از این قاعده مستثنی نیست. ماکس وبر نیز معتقد است به موازات رشد و گسترش ارزش‌های مادی و نابرابری، ارزش‌های مذهبی رو به ضعف گذاشته می‌شود؛ و این بدان جهت است که وقتی انسان‌ها به سوی مادیات روی می‌آورند، به طبع از معنویات دور می‌شوند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۱۳)

۳) نقش و تأثیر کارگزاران و نخبگان به عنوان گروه‌های مرجع

تأثیرگذاری نخبگان در تثبیت و یا ایجاد تغییر در اندیشه‌ها و رویکردها امری روشن است؛ زیرا کنش و واکنش‌های آنان به جهت مرجع و الگوی رفتاری بودن برای عموم مردم، نقشی تعیین کننده دارد؛ در کلامی از پیامبر اعظم حضرت محمد ﷺ آمده است که دو گروه در جامعه صلاح و فسادشان موجب صلاح و فساد اجتماعی می‌شود که عبارتند از: دانشمندان و حاکمان؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹ قال رسول الله ﷺ: **صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا افسدت امتی. قیل یا رسول الله و من هما؟ قال ﷺ: الفقهاء و الامراء**) و به همین جهت است که در کلام مشهور چنین آمده که مردم تأسی بر دین حاکمان و کارگزاران خویش دارند؛ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۱: **الناس علی دین ملوکهم**) قطعاً بر همین اساس است که می‌توان فجایع رخ داده در تاریخ صدر اسلام و دگرگونی در ارزش‌های دینی آنان را پس از رحلت رسول الله ﷺ، متأثر از حرکت خاص کارگزاران جامعه اسلامی ارزیابی و تحلیل کرد که با بازگشت به سنت‌ها و آداب و رسوم جاهلی و نیز خارج ساختن دین و سنت پیامبر از عرصه نفوذ اجتماعی باز هم ارزش‌های دوران جاهلیت پیش از اسلام زنده شد. بنابراین اگر در یک جامعه دینی کارگزاران و نخبگان و به تعبیر دیگر تصمیم‌سازان جامعه، نسبت به حاکمیت ارزش‌ها و هنجارهای دینی دغدغه و اهتمام جدی نداشته باشند، ای بسا در برنامه‌ریزی‌ها و ترسیم اهداف بلندمدت نظام اجتماعی به گونه‌ای عمل کنند که برون‌داد آن، خروج تدریجی برنامه‌های دینی از صحنه تعامل‌های اجتماعی باشد.

تغییرات در جامعه بر اساس وضعیت رفتاری حاکمان متغیر است. بر مبنای «الناس علی دین ملوکهم»، تغییر حالات کارگزاران جامعه در روحیه‌های آحاد جامعه تأثیرگذار است. از این رو، اگر حاکمان، افرادی عدالت‌پیشه و با تقوا باشند، مردم به سوی تقوا و عدالت حرکت می‌کنند و اگر افرادی سودجو، ظالم، بی‌تقوا

و سنگ‌دل باشند، تمام این روحيات در جامعه منعکس می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این راستا می‌فرماید: هرگاه حاکم تغییر پیدا کند زمانه نیز دگرگون می‌شود. (نهج البلاغه؛ نامه ۳۱، اذا تغير السلطان تغير الزمان) به همین دلیل پیامبران بزرگ الهی همواره سعی داشتند قبل از هر چیز حکومت عادلانه‌ای برقرار کنند تا اصلاح مردم در سایه آن میسر شود. به همین جهت تصور اینکه می‌توان در جامعه دینی سیاست را از دیانت و دستورهای دینی جدا دانست، نادرست است؛ زیرا ترویج دیانت بدون استقرار حکومت میسر نیست و تداوم حکومت نیز بدون تبعیت و پابندی به احکام دینی نقض غرض خواهد شد.

۴) برخورد گزینشی و مقطعی با ارزش‌ها و عناصر ارزشی

ارزش‌ها و هنجارهای برآمده از آنها در هر فرهنگی با یکدیگر مرتبطند؛ به گونه‌ای که باور و پذیرش یک ارزش و یا تبعیت از یک هنجار، در اصل به نقض، یا راندن و یا ضدیت با ارزش و یا هنجار دیگر منجر نمی‌شود؛ که در غیر این صورت تضاد میان ارزش‌ها و هنجارها بروز می‌یابد که در شرایط عادی جامعه پذیرفتنی نیست. در یک جامعه دینی که با باورداشت به ارزش‌های خاصی، رفتارهای متناسب با آن ارزش‌ها را از افراد جامعه می‌طلبد، چنانچه در عمل به گونه‌ای رفتار شود که بخش‌هایی از همان باورها نقض شوند، افزون بر اینکه تضاد مورد اشاره بروز می‌یابد، اساس آن باور و اعتقاد نیز خدشه‌دار می‌شود؛ زیرا وقتی دوگانگی در پایبندی به باورهای مکتب بروز یابد که شامل مجموعه‌ای از گزاره‌های ارزش‌مدار است، نتیجه مترتب بر آن بی‌توجهی به اصل و اساس آن اصول خواهد بود.

به عنوان مثال، مسئله انتظار ظهور منجی بشریت حضرت امام زمان (عج) و آماده‌سازی خود و جامعه برای آن دوران که زمان وقوع آن را فقط خداوند می‌داند، از اصول اعتقادی در نزد شیعیان است و در عین حال، تأکید شده که از انطباق پیشامدها و یا افراد با آن دوران احتراز شود؛ و حتی تصریح شده که اگر اشخاصی مدعی ملاقات با حضرت بودند، آنان را تکذیب کنید؛ با این وصف چنانچه کسانی به طرح ادعاهایی از قبیل ملاقات با امام زمان (عج) و یا تعیین تاریخ برای ظهور حضرت و... روی آورده و یا علایم و نشانه‌هایی را به عنوان مصادیق روشنی برای تاریخ ظهور اعلان کنند و با گذشت زمان ادعاهای آنان محقق نشود، به واقع نقش مهمی را در ایجاد زمینه‌های بی‌توجهی به این قبیل ارزش‌های اعتقادی که قطعی‌التحقق بوده ولی زمان وقوع آن تنها در حیطه علم خداوند است، ایفا می‌کنند. همچنین است هر آنچه از عناصر و امور مقدس که در نگرش عمومی افراد جامعه در وضعیتی قرار گیرند که موجب لوث شدن جایگاه ارزشی آن امور شوند؛ شاید برای همین است که در ادبیات دین برای کسانی که مدعی ارتباط با حضرت مهدی (عج) هستند، این همه مذمت و نکوهش مطرح شده است؛ زیرا رواج چنین ادعاهایی به مرور، اساس آن رخداد قطعی و گریزناپذیر را خدشه‌دار خواهد ساخت.

۵) ناسازگاری میان عمل و ادعای مدعیان دین‌داری

تغییر و تحول در جریان ارزش‌های اجتماعی موجود در یک جامعه روندی طبیعی محسوب می‌شود، ولی ممکن است در مواقعی بر اثر عواملی این تغییر و تحولات به صورتی غیر عادی محقق گردد و در روندی سریع‌تر رخ دهد که این ناشی از شدت اهمیت و تأثیرگذاری آن عامل و یا عوامل از یک‌سو و بی‌اهمیت شدن ارزش‌های سابق از سوی دیگر است؛ به طور مثال اگر رفتاری در جامعه در یک زمانی از سوی بخشی از حاکمیت پذیرفتنی تلقی شود، در حالی که همان رفتار در فاصله زمانی کوتاهی از سوی بخشی دیگر در همان جامعه غیر قابل پذیرش به حساب آید، احتمال دارد در منظر عمومی از این تفاوت رفتاری تلقی درستی نشده و یک بام و دو هوا از آن تعبیر شود. زیرا باید توجه داشت که تأثیر تغییر ارزش‌های اجتماعی بر پای‌بندی دینی افراد جامعه بسیار قابل توجه است.

آلبرت هیرشمن بر این باور است که وقتی میان آنچه در رفتار مردم رخ می‌دهد با آنچه مردم بدان باور دارند و به عنوان ارزش برای آنان تلقی گردیده گسستگی و اختلاف بروز نماید، این امر به عنوان عاملی مؤثر در تغییر ارزش‌ها عمل می‌کند. (وینر، ۱۳۵۵، ص ۱۴) زیرا در صورت دل‌دادگی و علاقه نشان دادن حاکمان دینی به دنیا و دنیاخواهی ایشان، روی‌گردانی آحاد جامعه را از حکومت دینی به دنبال داشته و آنان را نسبت به دین و متولیان امور دینی بدبین خواهد ساخت؛ روشن است وقتی که روح حاکم بر دین و گزاره‌های دینی فراخوانی پیروان به زهد در دنیا و احتراز از دوستی آن است، چنانچه کسانی که مدعی‌اند حاکمیتشان برای پیاده‌کردن دین در جامعه است، خودشان در عمل به دنیاخواهی و دنیاپرستی روی آورند، نتیجه طبیعی چنین رفتاری اعراض عمومی از دستورات دین بوده و در نهایت کسانی که به دین در چنین وضعیتی علاقه‌مندی نشان دهند، آن را به صورت فردی و شخصی برای خود خواهند داشت و نسبت به کارآیی دین در صحنه اجتماعی تردید جدی خواهند داشت. (دژاکام، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱)

۶) عدم رعایت اصول رفتاری در دعوت به دین

یکی از قواعد حاکم بر روابط اجتماعی در میان متدینان دینی همانند دین اسلام، قاعده‌ای است که می‌گوید در مواجهه با مردم آنان را به گونه‌ای به سوی دین فرا بخوان که موجب نفرت و گریز ایشان از دین نشود. روشن است که رعایت چنین اصلی موجب علاقه‌مندی به دین، تقویت حس برادری و انسجام اجتماعی و نیز دوری از تفرقه و تشتت می‌شود. این مطلب را حضرت رسول مکرّم ۶ هنگامی که فردی را برای دعوت به دین به سرزمین یمن می‌فرستادند، به وی توصیه فرمودند. (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۱۶۰) ؛ به نظر می‌رسد هر چند مقصود اساسی در این اصل، مربوط به نحوه عمل و دعوت به دین بخصوص برای تبلیغ‌کنندگان دین است که بر رفتار خود مراقبت داشته باشند، ولی با تنقیح مناط از این مورد، می‌توان

تصریح کرد که پیروان یک دین در تعامل‌های اجتماعی روزمره با همدیگر نیز می‌بایست به گونه‌ای عمل کنند که موجب دل‌دادگی بوده و به تعبیر روایت زینت و الگو باشند و نه موجب سرافکنندگی و انزجار. (حراالعاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۱۹۴: در روایتی منقول از امام صادق علیه‌السلام آمده است که فرموده‌اند: «کونوا لنا زیناً و لاتکونوا علینا شیناً قولوا للناس حسناً و احفظوا الستمکم و کفوها عن الفضول و قبیح القول) معنای این سخن پدیداری حالت اعراض و روی‌گردانی از دین، در صورت مشاهده رفتارهای هنجارشکنانه و منافی با دستورهای دینی از طرف دعوت‌کنندگان به دین از سوی افراد عادی جامعه است.

۷) تأثیر عوامل مؤثر در مادی‌گری بر دوری از آموزه‌ها و ارزش‌های دینی

به نظر می‌رسد هر آنچه که موجب گرایش به مادی‌گرایی می‌شود می‌تواند به عنوان عامل و یا مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی در جامعه دینی نیز نقش‌آفرین باشد. در این زمینه شهید مطهری با طرح این سؤال که چه عواملی موجب شد تا ماتریالیسم در اروپا به صورت یک مکتب ظهور و پیروان بسیاری را به خود جلب کند - تا بدانجا که افراد را به گریز از دین و متمایل به سوی ماتریالیسم و جبهه‌گیری در مقابل مذهب و خدا و هر آنچه رنگ‌خدايي داشت، وادار ساخت - پاره‌ای از مسائل تاریخی و اجتماعی را به عنوان عوامل مؤثر در این قضیه ذکر کرده‌اند که به اجمال عبارتند از:

- ۱- ناتوانی و نارسایی کلیسا و مفاهیم دینی آن در مباحث مربوط به خدا و ماوراء؛
- ۲- تحمیل عقائد و نظریات خاص مذهبی و علمی کلیسا به صورت اجبار و سلب هر گونه آزادی عقیده و مبارزه جدی و خشن با مخالفان با راه‌اندازی محاکمی به نام انگیزسیون یا تفتیش عقاید؛
- ۳- نارسایی مفاهیم فلسفی در تبیین مسائل مربوط به الهیات و در نتیجه زمینه‌سازی برای رشد اندیشه‌های مادی‌گرایانه؛
- ۴- نارسایی در مفاهیم خاص اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای که میان مفاهیم دینی و برخی از مفاهیم اجتماعی و سیاسی تناقض تصور شد؛
- ۵- اظهار نظرهای غیر منطقی و بی‌مبنای افراد غیر تخصص در امور دینی که در مواردی موجب تمسخر و ریشخند به باورها، و در نتیجه گریز از گرایش‌های دینی و اعتقادی شد؛
- ۶- القای ناسازگاری میان آموزه‌های دینی و ارضای غرائز طبیعی، توسط برخی مبلغان ناآگاه؛
- ۷- محیط اخلاقی و اجتماعی نامساعد؛ زیرا «جو فاسد اجتماعی، جو روحی را فاسد می‌کند و جو فاسد روحی، زمینه رشد اندیشه‌های متعالی را ضعیف و زمینه رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند. به همین جهت است که در اسلام به اصلاح محیط اجتماعی اهتمام زیاد شده است و باز به همین جهت است که سیاست‌هایی که می‌خواهند اندیشه‌های متعالی را در مردمی بکشند زمینه فساد اخلاقی و عملی آنها را فراهم

می‌کنند و برای فراهم کردن این زمینه، محیط اجتماعی را با وسائلی که در اختیار دارند فاسد می‌نمایند». (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۲۰۰)

۸- معرفی دین و مذهب به گونه‌ای که احیاناً عدم مبارزه آن با ظالمان تصور گردد. (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳-۲۱۸)

روشن است که دین اسلام به جهت استحکام و غنای محتوایی خود و جایگاه رفیع عقل و خرد در استنباط احکام و نیز لحاظ مقتضیات زمان و مکان و... نسبت به بسیاری از موارد فوق مواضعی عقلانی، منطبق با فطرت و مدبرانه دارد؛ به گونه‌ای که اساساً امکان انتساب زمینه‌سازی و یا همراهی دین اسلام با مواردی که شائبه ناتوانی این دین در پاسخگویی به مباحث مربوط به خدا و ماوراء، تحمیل نظریات خاص مذهبی و علمی به نام دین، و یا نارسایی مفاهیم فلسفی آن در تبیین مسائل مربوط به الهیات برداشت شود، وجود ندارد؛ بلکه آنچه باید مورد توجه و دغدغه متولیان و دست‌اندرکاران امور دینی باشد، مربوط به حوزه تبلیغ دین و نیز عملکردهای منتسب به دین توسط متولیان امور دینی است؛ شاید به همین جهت بوده که حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، هشدار می‌دادند که آبروی اسلام امروزه بیش از همه در گرو اعمال علمای دین است. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۲۵۸)

نگارنده معتقد است هر چند، بیشتر عوامل یاد شده موجب الحاد و گرایش به مادی‌گری و ضدیت با دین در غرب شد، ولی باید توجه داشت که چنانچه در جامعه دینی، کسانی بر اثر ضعف علمی خود در مقام تبلیغ از دین، به دفاع نادرست و یا ضعیف از آن پردازند، دست‌کم نتیجه چنین روندی به مرور، تقلیل جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای دینی را در نزد مخاطبان به خصوص کسانی که دین‌داری‌شان برخاسته از شرایط اجتماعی و جغرافیایی است، خواهد بود.

۸. نحوه تعامل دین و آزادی

یکی از ارزش‌های اساسی و عمده در هر جامعه‌ای مسئله آزادی و تبیین حدود و ثغور آن است. چنانچه این ذهنیت برای مردم جامعه‌ای پیش آید که دین در مقابل آزادی و برابری است، روند مقابله و ضدیت با دین ظهور یافته و شدت می‌گیرد؛ چرا که میل به آزادی و برابری، میلی فطری و خدادادی است. نکته قابل تأمل این است که در رابطه دین و آزادی، دین را می‌توان عامل با ارزشی برای کسب آزادی واقعی دانست؛ (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴، ص ۵۲) زیرا در واقع این دین است که انسان را به آزادی حقیقی رسانده و او را از بند تعلقات و تمنیات پست مادی و ماده‌پرستی نجات می‌دهد؛ به این لحاظ می‌بایست آزادی را باز تعریف کرد و گرنه آزادی حیوانی و شهوانی در نظر عقلا عالم نیز موجب اسارت و در بند افتادن انسان است. شهید مطهری با اشاره به آیه شریفه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي

التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛/همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند» (اعراف، ۱۵۷) می‌فرماید: «قرآن اسم آن چیزی را که اروپایی می‌گوید بشر را باید در آن آزاد گذاشت، زنجیر می‌گذارد؛ می‌گوید شکر این را بکنید که خدا به وسیله این پیامبر این بارهای گران یعنی خرافه‌ها را از دوش شما برداشت؛ این زنجیرهایی را که خودتان به دست و پای خودتان بسته بودید، برداشت.» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴، ص ۳۷۷)

ناگفته نماند که ریشه بحث از دین و آزادی عقیده و یا سخن از چند و چون رابطه میان این دو را می‌توان منبعث از اتفاقات برگزاری محاکم تفتیش عقاید اروپاییان دانست که در دوران قرون وسطا، اربابان کلیسا به کار گرفته بودند، که به صورت قهری عکس‌العمل آن تشدیدها، این شد که گفته شود هر جا پای مذهب و دین به میان آید مردم آزادند هر عقیده‌ای را که می‌خواهند داشته باشند. (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴، ص ۳۸۵-۳۶۷) نگارنده معتقد است مقایسه دین اسلام با ادیان تحریف شده‌ای همانند مسیحیت که در آن لازمه دین‌داری تارک دنیا بودن و تعطیلی عقل با التزام صرف به متن کتاب مقدس است، با دین اسلام که بر اهمیت عقل و خرد و نیز استفاده مثبت و نگاه زاهدانه به دنیا تأکید کرده است، مقایسه‌ای ناصواب است و بلکه در متن تعالیم دین مقدس اسلام آنچه مورد نفی و رد و انکار است، استبداد و ظلم است و نه آزادی. شاهد بر این ادعا رفتارهای حضرت خاتم النبیین ﷺ است که در طول دوران رسالتشان و حتی در تمامی جنگ‌ها هرگز کسی را اجبار به ایمان آوردن نمی‌کرد، بلکه آنان را مخیر می‌کرد بر آیین خودشان باشند و یا این که اسلام آورند. (آیتی، ۱۳۶۶، ص ۵۶۴-۵۶۰)

۹. ناتوانی در تأمین نیازمندی‌های ضروری عمومی در جامعه دینی

امروزه به مدد دسترسی تمامی افراد جوامع مختلف به وسایل ارتباط جمعی صوتی و تصویری و نیز سهولت رفت و آمد میان جوامع مختلف و در نتیجه کسب اطلاع از وضعیت زیست اجتماعی شهروندان دیگر جوامع، به صورت طبیعی در میان افراد جامعه دینی این انتظار و توقع به وجود می‌آید که از نظر سطح معیشت مادی آنان نیز می‌بایست از یک زندگی شرافتمندانه‌ای برخوردار باشند؛ در غیر این صورت حکومت دینی را متهم به ناتوانی و ناکارآمدی در تأمین نیازمندی‌های زندگی خود خواهند کرد، که بالطبع با وجود چنین ذهنیتی نمی‌توان انتظار داشت آنان همچنان از جهت اعتقادی به هنجارهای ارزشی دین خود

در صحنه عمل وفادار باشند. در این زمینه می‌توان گفت «ناکارآمدی‌های شدید حکومت دینی در تمهید حداقل‌های زندگی شرافتمندانه انسان پرتمنای این عصر، می‌تواند مسلمانان را در تعقیب ایده جامعه و حکومت دینی متزلزل سازد و از پیگیری آرمان‌های دینی به عنوان برنامه عمل و زندگی خویش، مأیوس و منصرف نماید» (شجاعی زند، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

۱۰. تبلیغات و رسانه‌های ارتباط جمعی

نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی در انطباق افراد جامعه با ارزش‌های اجتماعی و دینی و یا در دور ساختن از آن ارزش‌ها غیر قابل تردید است؛ چنانچه تلویزیون و مطبوعات و دیگر رسانه‌های جمعی در ارتباط با مخاطبان خود، در عرصه‌های خلاف اصول اخلاق دینی وارد شده و یا به نمایش فیلم‌های خلاف هنجارهای اجتماعی و دینی روی آورند، نتیجه چنین رویکردی ایجاد تغییرات در نگرش ارزشی افراد جامعه خواهد بود.

به همین جهت است که در دین اسلام بر اهمیت امر تبلیغ و مبلغ و نیز منبر و محتوای پیام‌ها، همچنین مخاطب‌شناسی و توجه به نیازهای آنان، بسیار توجه شده است؛ حضرت امام خمینی (ره) درباره نقش و اهمیت تبلیغات خطاب به مسئولان رسانه‌های جمعی می‌فرماید: «مسئولیت شما مسئولیت بزرگی است... که یا این جمهوری اسلامی را به جلو می‌رانید به واسطه تبلیغاتتان، ... و یا به عقب می‌رانید. این خیلی مسئولیت بزرگی است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱۹۶-۱۹۵) به نظر می‌رسد مراد حضرت امام (ره) از جلو رفتن و یا عقب ماندن جمهوری اسلامی در اثر تبلیغات را می‌توان به تحقق و یا عدم تحقق اهداف دینی نظام اسلامی از طریق برنامه‌های تبلیغاتی مرتبط دانست که چنانچه خروجی این دانشگاه، به تعبیر ایشان، رواج الگوهای ارزشی دین باشد موفقیت به دست آورده و از این منظر به اهداف دینی نزدیک شده‌ایم وگرنه تغییر ارزش‌ها در اثر غلبه الگوهای غیر دینی در تبلیغات رسانه‌های جمعی حاصل می‌شود. یکی از مهم‌ترین بازخوردهای تبلیغات در فضای امروزین جهان منبعث از متغیر شدن ارزش‌ها، همانا ایجاد تغییر در نگرش‌های افراد جامعه است که نگرش آنان را به سمت فایده‌گرایی، خودخواهی، مصلحت‌اندیشی، دم‌غنیمت‌شماری، لذت‌جویی، عافیت‌طلبی، مطالبه‌خرسندی دنیوی و منفعت‌طلبی بیشتر سوق داده است؛ که همه این موارد با ایجاد تغییرات رفتاری برخاسته از تغییر ارزش‌های افراد جامعه خواهد بود؛ (شجاعی زند، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶-۲۳۷)

از سوی دیگر، ایجاد مراکز تجاری در مناطق دارای بافت سنتی و اصیل شهری و ارائه کالاهای لوکس و تجملی در آن و آمد و شد طبقات مرفه جهت خرید از این مراکز، و... خود وسیله‌ای تبلیغاتی برای تحریک طبقات پایین شهری برای برآورده ساختن نیازها و تشویق به این رفتارها می‌گردد. البته این رویکرد خود بستری

است برای اعمال تغییرات در نگرش‌های اعتقادی و روآوری به تجمل و دوری از ارزش‌های دینی. در این راستا به تأثیرات برخی از فیلم‌های سینمایی، تعدادی از سریال‌های تلویزیونی، گسترش کمی فیلم‌های ویدیویی و نقش روزنامه‌ها و تبلیغات می‌توان اشاره کرد که توسط برخی از پژوهشگران اجتماعی در ایران در سالیان اخیر انجام شده است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۴۰) گسترش دامنه و کیفیت ارتباطات و نوع محتوای برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی در دنیای امروز، شرایط را به گونه‌ای رقم زده که انسان‌ها آمادگی بیشتری برای تغییرپذیری دارند؛ زیرا از این طریق مخاطبان به شیوه فکر و زندگی و رفتار ملت‌های دیگر آگاهی بیشتر و عیان‌تری می‌یابند و سعی می‌کنند ارزش‌ها و آداب و رسوم را که مانع همانندی آنان با دیگران می‌شود کنار گذاشته و یا تغییر دهند. روند پذیرش ایجاد تغییرات در ارزش‌های افراد یک جامعه از طریق وسایل ارتباط جمعی به این صورت است که همان کسانی که ارزش‌های مغایر با فرهنگ خود را منفی ارزیابی می‌کردند، به وضعیتی می‌رسند که به تدریج به ورود آن ارزش‌های مغایر، از طریق روش‌های مستقیم و غیر مستقیم، عادت کرده و سپس تلقی و ارزیابی منفی سابق را نسبت به آن‌ها نخواهند داشت و این یعنی پذیرش به قبول و حتی امکان جولان دادن به آن عناصر غیر ارزشی در قالب ارزش‌های فرهنگی خود. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۸) در این زمینه می‌توان به تأثیر و نقشی که فیلم‌ها، سریال‌ها و نیز اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای در شکل‌دهی به انواع گونه‌های شخصیتی و ظهور تیپ‌ها و شیوه‌های تفکر و رفتار ایجاد می‌کنند، اشاره کرد؛ در واقع امروزه تغییرات و به هم‌ریختگی‌های مشهودی که حتی در جوامع دارای غنای فرهنگی می‌توان مشاهده کرد، بخش قابل توجهی از آن برخاسته از تأثیرات غیر قابل کنترل و خارج از محدوده جغرافیای فرهنگی آن جوامع از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها بخصوص رسانه‌های تصویری است. در سال‌های اخیر، با وجود اعمال پاره‌ای مقررات و ایجاد محدودیت‌هایی در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، به جهات گوناگون در بخش‌های مختلفی از جامعه اسلامی، نسبت به استفاده از آنها علاقه و تمایل مشاهده می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱-۱۱۴)

۱۱. نقش مراکز آموزشی و تربیتی

مراکز آموزشی و تربیتی در عرصه تثبیت و یا اعمال تغییرات در ارزش‌ها نقش تعیین کننده دارند؛ به بیان دیگر این آموزش و تربیت است که می‌تواند به صورت طبیعی انسان را در وفاداری به هنجارهای فرهنگی و دینی خود ثابت قدم کند و یا این که او را به عرصه‌های فکری و رفتاری مغایر با فرهنگ دینی و در نتیجه قبول ارزش‌های دیگر فرا بخواند؛ امروزه اگر در رفتار بخشی از افراد جامعه نشانه‌هایی از ناهنجاری رفتاری مشاهده می‌شود، نقش مراکز آموزشی و تربیتی را در بروز این مسائل نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا اگر برنامه‌ریزی مناسب صورت گرفته بود و نیز دیدگاه‌های منطبق بر اصول هنجاری و ارزشی

دین بر آن مراکز با کادرهای آموزشی معتقد و دلسوز حاکم می‌بود، شاید کمتر این وضعیت‌ها مشاهده می‌شد. در همین زمینه می‌توان نقش فرهنگ‌سراها، فیلم‌ها و آموزش‌های برگرفته از برنامه‌های ماهواره‌ای و سایر مراکزی که در شهرها و روستاها در جهت تغییر ارزش‌ها حتی در لایه‌های سنتی و اقشار پایین جامعه تأثیرگذارند را یادآور شد. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸) همچنین است ایجاد مراکز آموزش عالی در مناطقی از کشور که دارای بافت‌های سنتی و اصیل در روابط اجتماعی بوده‌اند که در اثر مشاهده رفتار دانشجویان غیر بومی و نوع تعامل خارج از عرف آنان با هنجارهای حاکم بر آن منطقه، به مرور رفتار افراد بومی را تحت الشعاع قرار داده است.

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مذکور که به صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان نتیجه گرفت که فرایند تغییر در فرهنگ و به تبع آن، تغییر ارزش‌ها و هنجارها امری طبیعی و گریزناپذیر است؛ آنچه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است که اگر این فرایند با تمهیداتی همراه باشد، روند تغییر، کمترین بازخورد منفی را ایجاد کرده و بلکه با استقبال عمومی مواجه خواهد شد. به این معنا که اگر از یک سو، این امر طبیعی، مقرون به برنامه‌ریزی و هدایت نخبگان و فرهیختگان جامعه باشد و از سوی دیگر، مبتنی بر نیازهای جامعه و شناخت از تحولات و جریانات حاکم بر جهان و حوزه‌های وسیع ارتباطی باشد، (حاجیلری، ۱۳۸۰، ص ۵۴) در این صورت جای هیچ‌گونه دغدغه‌ای برای تغییرات به وجود آمده نخواهد بود؛ زیرا این تحولات در یک بستر معقول و منطقی پیش خواهد رفت. دغدغه آنجاست که در روند سیاست‌گذاری‌ها و یا اجرای سیاست‌ها احیاناً از پای‌بندی به اصول و قواعد هنجارهای دینی غفلت ورزیده شود و این وضعیت برای افراد جامعه مستمسکی برای ایجاد شبهه و یا تزلزل در باورداشت‌ها گردد.

ذکر این نکته نیز به جاست که در دینی اشمالی و فراگیر همانند اسلام، این پتانسیل و توان هم به لحاظ مبانی نظری و هم به لحاظ عملی و اجرایی وجود دارد تا بتواند در برهه‌های زمانی مختلف و اقتضائات مادی و تمدنی گوناگون، عرصه را برای اعمال نفوذ و حضور مؤثر خود مهیا دیده و بلکه زمینه‌ها و شرایط متغیر و متحول بیشتری را در فرایند تغییرات مادی پذیرا گردد. آنچه در این جریان نباید خلط شود رفتارهای ضد فرهنگی است که به نام تغییرات فرهنگی گریزناپذیر مطرح شود؛ یعنی مجموعه رفتارهایی که اساساً ربطی به فرهنگ انسانی جوامع بشری نداشته و حداکثر در قالب خرده‌فرهنگ‌های انحرافی در جوامع، مبتنی بر پاره‌ای از سیاست‌های حکومت‌های استعماری در یک شیخون فرهنگی و با قصد استحاله فرهنگی بر جوامع تحمیل می‌شوند.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۳)، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم
- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر شرقین
- اربلی، علی ابن عیسی (۱۳۸۱). کشف‌الغمه، ج ۲، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی.
- اردبیلی، هاله، «تغییر ارزش‌ها و فراگرد توسعه»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره پاییز ۸۰.
- امام خمینی، (۱۳۸۶)، صحیفه امام، ج ۲۲، چ ۴، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____، (۱۳۸۶)، صحیفه امام، ج ۸، چ ۴، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____، (۱۳۸۶)، صحیفه امام، ج ۱۱، چ ۴، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آیتی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶)، تاریخ پیامبر اسلام، چ ۱، تحقیق و تصحیح ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیرو، آلن، (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، چ ۱، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- حاجیلری، عبدالرضا، (۱۳۸۰)، کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چ ۱، دفتر نشر معارف.
- _____، (۱۳۶۶)، «تغییر ارزش‌ها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول، شماره نهم.
- حراعاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، طبعه الثالثه.
- حسینی، سیدعباس، (۱۳۹۰)، «نقش اینترنت در تغییر ارزش‌های دینی»، فصل‌نامه دین و رسانه، ش ۴.
- دژاکام، علی، (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات دناپی و دینداری، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، چ ۱، نشر کتاب فرا.
- _____، (۱۳۷۸)، «تغییر ارزش‌ها در آینه سینما و مطبوعات»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دائرةالمعارف علوم اجتماعی؛ چ ۱، تهران، مؤسسه انتشارات کیهان.
- سوجاتوموگو (۱۳۶۶)، «دگرگونی ارزش‌ها در دوران معاصر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱، ش ۹.
- شجاعی‌زند، علیرضا، (۱۳۸۳). عرفی شدن در غرب مسیحی و شرق اسلامی، چ ۱، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- _____، (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران، نشر مرکز.
- _____، (۱۳۷۹)، «مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۱.
- صالح‌پور، جهانگیر، (۱۳۷۴)، فرایند عرفی شدن فقه شیعی، کیان، سال پنجم، شماره ۲۴.

علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالائمہ الاطهار، ج ۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

_____، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالائمہ الاطهار؛ ج ۱۰۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

کوئن، بروس، (۱۳۸۲)، درآمدی به جامعه‌شناسی، چ ۱۴، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.

محسنی، منوچهر، (۱۳۸۳)، مقدمات جامعه‌شناسی، چ ۳، تهران، نشر دوران.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران، انتشارات صدرا.

_____، (۱۳۸۵)، مجموعه آثار، ج ۲۴، چ ۱، انتشارات صدرا.

_____، (۱۳۶۷)، علل گرایش به مادینگری به ضمیمه: ماتریالیسم در ایران، چ ۱۰، انتشارات صدرا.

موسوی همدانی، سید محمدباقر، (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

وثوقی، منصور و اکبری، حسین، (۱۳۷۹)، «روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها، یک مطالعه تطبیقی»، مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۴.

وینر، مایرول، (۱۳۵۵)، نوسازی جامعه، ترجمه مقدم مراغه‌ای، چ ۳، تهران کتاب‌های جیبی.